

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال دهم، شماره چهارم، پائیز ۱۳۹۷

ص ص ۴۷-۲۹

بررسی گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی در ایران: مورد مطالعه گروه‌های قومی استان آذربایجان غربی

صیاد گلشن^۱

سیف‌اله سیف‌اللهی^۲

علیرضا محسنی تبریزی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۳/۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۶/۱۸

چکیده

تمایل به مطالعه روابط اجتماعی میان گروه‌های قومی در چند دهه گذشته به طور بارزی افزایش یافته است. رشد افتخارات قومی، در نتیجه افزایش آگاهی از حوزه قوم‌گرایی در سطح جوامع و ارتباط این حوزه با مسایل اجتماعی موجود در جوامع بشری، به این امر منجر شده است. مسئله اصلی تحقیق شناسایی گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی به مثابه یک گروه اجتماعی است. در این تحقیق به منظور تبیین و توصیف مناسبات موجود میان گروه‌های قومی استان آذربایجان غربی از روش پیمایشی و سوالات مرتبط با چارچوب نظری تحقیق استفاده شده است. به منظور سنجش گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی از گونه‌شناسی "رابرت مرتون" بر اساس دو متغیر تعصب و تبعیض استفاده شده است. جامعه آماری ۴۸۰ نفر از ساکنان استان بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از سه منطقه شمال، جنوب و مرکز استان انتخاب شدند. پایایی پرسشنامه ۰/۸۹۷ برآورد گردید. با توجه به تحلیل انجام شده، توزیع گونه‌های تعامل اجتماعی در میان جامعه مورد مطالعه، ۳۰ درصد کاملاً غیر لیبرال، ۲۶/۷ نسبتاً غیر لیبرال، ۱۵ درصد نسبتاً لیبرال و ۲۸/۳ کاملاً لیبرال می‌باشد. بر اساس یافته‌های تحقیق به لحاظ تعصب در میان گروه‌های قومی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ولی از جهت تبعیض این تفاوت معنی‌دار نبود. همچنین گونه‌شناسی مرتن در جامعه مورد مطالعه تطابق دارد و تمامی گونه‌های موجود در مدل مرتن در جامعه مورد مطالعه مشاهده گردید. آزمون آماری تفاوت معنی‌داری را به لحاظ گونه‌های تعامل اجتماعی در میان گروه‌های قومی نشان می‌دهد. آزمون‌های تعقیبی نشان می‌دهد که این تفاوت میان ترک و کرد معنی‌دار نیست بلکه با سایر گروه‌های قومی معنی‌دار است.

مفاهیم کلیدی: تعامل اجتماعی، گروه اجتماعی، گروه قومی، گونه‌شناسی تعامل اجتماعی، تعصب، تبعیض.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران- ایران.

E-mail: sayyad_gl@yahoo.com

۲. دکترای جامعه‌شناسی، استاد و عضو هیات علمی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول).

۳. دکترای جامعه‌شناسی، استاد دانشگاه تهران.

مقدمه

گروه‌های قومی از جمله مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی در جوامع، به خصوص جوامع چند قومیتی می‌باشند که مناسبات میان آن‌ها، می‌تواند بر سرنوشت این جوامع نقش و تاثیر قابل توجهی بگذارد. از آن جا که هر گروه اجتماعی برای بقای خود نیازها و خواست‌های متفاوت و متعددی دارد؛ برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع به چگونگی تامین این نیازها و خواست‌ها بستگی دارد. در دنیای امروز هیچ گروهی به تنهایی قادر نیست این نیازها و خواست‌هایش را خودش تامین کند. پس به ناچار برای تامین آن‌ها باید با سایر گروه‌های انسانی و اجتماعی موجود در درون جامعه و حتی خارج جامعه خویش ارتباط برقرار نماید. تلاش متقابل گروه‌های اجتماعی در جهت تامین نیازهایشان منجر به شکل‌گیری تعامل اجتماعی میان این گروه‌ها می‌گردد. شرایط و عوامل بسیاری بر شیوه و نوع تعامل اجتماعی میان این گروه‌های اجتماعی تاثیرگذارند. اندیشمندان و محققانی که بر مطالعه این موضوع پرداخته‌اند، از دو بعد به بررسی و مطالعه پرداخته‌اند. یک سری از مطالعات انجام شده بر عوامل موثر بر شکل‌گیری تعامل متمرکز شده و هر کدام یک یا چند عامل را به مذاقه گذاشته‌اند. دسته دوم بر گونه‌شناسی تعامل توجه نموده و بر اساس روش برقراری تعامل اجتماعی، گونه‌های متفاوتی را بر شمرده‌اند. این تعدد و تنوع مباحث به شدت تحت تاثیر رویکردهای پژوهشی و نظری محققان بوده است. تحقیق حاضر با مروری بر این رویکردهای نظری و برخی پژوهش‌های تجربی انجام شده در این زمینه سعی دارد گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی ایران را با تاکید خاص بر گروه‌های قومی استان آذربایجان غربی با رویکرد جامعه‌شناختی تبیین کند.

تمایل به مطالعه روابط اجتماعی میان گروه‌های قومی در چند دهه گذشته به طور بارزی افزایش یافته است. رشد افتخارات قومی در نتیجه افزایش آگاهی از حوزه قوم‌گرایی در سطح جوامع و ارتباط این حوزه با مسایل اجتماعی موجود در جوامع بشری به این امر منجر شده است. ادراک و احساس تفاوت‌های قومی بیش از سایر عوامل در ایجاد تضادهای اجتماعی، استثمار و آلام انسانی نقش داشته است. آگاهی فزاینده از این امور مطالعه روابط قومی را در کانون فعالیت‌های علمی دانشگاه‌ها و رسانه‌های جمعی قرار داده است. این امر از یک نگاه ساده به احساسات مردم قابل فهم است. زمینه‌های اجتماعی که به این احساسات دامن می‌زنند باید مشخص شوند.

انسان‌ها در جوامع مختلف زندگی می‌کنند و در داخل یک جامعه نیز به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شوند. حیات جامعه به تعاملات مختلف بین این گروه‌ها بستگی دارد. صرف‌نظر از تفاوت‌های موجود در بین جوامع از لحاظ نوع حکومت و ساختار اجتماعی حاکم بر جوامع بشری و حتی بر گروه‌های مختلف اجتماعی موجود در درون این جوامع، شهروندان آن‌ها میراث مشترکی دارند. علی‌رغم این اشتراکات در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی هر یک از این گروه‌ها خود را برتر از دیگر گروه‌ها دانسته و نسبت به گروه خود وفاداری بیشتری نشان می‌دهند. مطالعه نوع تعامل میان گروه‌های

اجتماعی موجود در جوامع بشری می‌تواند ریشه‌های ظهور و نمود این نوع رفتارها را مشخص نماید. با شناخت این گونه‌ها می‌توانیم هر جا با تنش‌هایی مواجه شویم نسبت به رفع آن‌ها اقدام کنیم. در گذشته در جوامع بشری زندگی اجتماعی صورتی ایلی و عشایری داشته و حیات اجتماعی ساختاری قبیله‌ای و طایفه‌ای داشته است. استان آذربایجان غربی نیز با توجه به جغرافیای طبیعی و انسانی خویش چنین وضعیتی را دارا بوده است. در چند دهه اخیر با توجه به سیاست‌های اعمال شده از سوی حاکمیت‌ها ساختار ایلی و عشیره‌ای تقریباً از بین رفته است. هویت‌های قبیله‌ای جای خود را به هویت‌های قومی در سطحی گسترده‌تر و ساختارمندتر داده است. به لحاظ این دگرگونی شاهد شکل‌گیری گروه‌های جدیدی با آگاهی از موجودیت خویش در عرصه حیات اجتماعی هستیم که با رسیدن به آگاهی از منافع جمعی خویش و تمایز منافع خود از منافع سایر گروه‌ها هر روز ساختارمندتر شده و در جهت جلوگیری از تضییع حقوق خود و تحقق آرمان‌های خویش منسجم‌تر به حیات خویش ادامه می‌دهند. این گروه‌ها همان گروه‌های قومی هستند. علی‌رغم این که سایر گروه‌های شکل گرفته در جامعه با هر تغییر و تحولی از بین می‌روند، این گروه‌ها نه تنها از بین نرفته‌اند بلکه پویاتر از گذشته به موجودیت خود ادامه می‌دهند. حال سوال این است که گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی کدامند؟ چه تفاوتی از حیث نوع تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی مورد مطالعه وجود دارد؟

اهداف تحقیق

۱. شناخت گونه‌های تعامل اجتماعی در بین گروه‌های قومی در ایران و استان آذربایجان غربی.
۲. مقایسه گروه‌های قومی بر اساس گونه‌های تعامل اجتماعی میان آن‌ها.

سوالات تحقیق

- گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی ایران و استان آذربایجان غربی کدام‌اند؟
- از لحاظ نوع تعامل اجتماعی میان کدام گروه‌های قومی تفاوت وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

تعامل اجتماعی از اساسی‌ترین مباحث مطرح شده در حوزه علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی می‌باشد. از آن جا که منشأ زندگی اجتماعی انسان به برقراری رابطه او با سایر انسان‌ها بر می‌گردد، اکثر اندیشمندان که به مطالعه ابعاد اجتماعی زندگی انسان پرداخته‌اند، به نوعی سعی در تبیین این پدیده بر اساس ساختار جوامع و گروه‌های انسانی داشته‌اند. همین امر موجب شده است که در ادبیات جامعه‌شناسی با دسته‌بندی‌ها و سنخ‌شناسی‌های گوناگون تعامل اجتماعی مواجه شویم. این بخش از مطالب تحقیق به مروری بر این گونه‌شناسی‌ها اختصاص دارد.

اولین جامعه‌شناسان به ویژه آنان که پیرو مکتب شیکاگو بودند به بررسی اشکال تعامل (کنش متقابل) اجتماعی موجود به خصوص در شهرها کردند. این گروه با استفاده از مفهوم جامعه زیستی "زیمل" روابط غیر رسمی موجود در بخش‌های مختلف شهر را که زیربنای زندگی روزمره گروه‌های متعدد اجتماعی بود و نیز فرایندهای سازمانی و بی‌سازمانی اجتماعی را بررسی کردند. این دسته از جامعه‌شناسان به منظور مطالعه تعاملات اجتماعی میان افراد و گروه‌ها سعی کردند از مطالعات تطبیقی استفاده نمایند. از جمله شیوه‌های این مطالعات بررسی این پدیده در اجتماعات روستایی و جوامع شهری است. کتاب "شهرنشینی به منزله سبک زندگی" اثر "لوئیس ورت" موثرترین منبع جامعه‌شناختی در این زمینه است. او در این کتاب دستور کار تحقیقی را برای تحلیل چگونگی تولید اشکال تعامل اجتماعی در شهرها متفاوت با مناطق روستایی مطرح کرده است. شاید بتوان گفت که این الگو از قدیمی‌ترین گونه‌شناسی‌هایی است که در مطالعه تعاملات انسانی با توجه به اندیشه "تونیس" در بحث از "اجتماع" و "جامعه" ارائه شده است. و به نوعی نیز تقسیم‌بندی‌های دوگانه از روابط اجتماعی میان انسان‌ها در گروه‌های اجتماعی اولیه و ثانویه را در گونه‌شناسی گروه‌های اجتماعی "کولی" منعکس می‌سازد. "ورت" تلاش کرد تا با متمایز و مشخص کردن سه متغیر مستقل؛ اندازه، تراکم و ناهمگونی که می‌توان آن‌ها را متغیرهای علی زندگی شهری تلقی نمود تعامل اجتماعی در شهر را تحلیل نمود. وی برای استحکام بخشیدن به مطالعه فرهنگ شهری و مقایسه آن با "فرهنگ روستایی" اهمیت بیشتری یافت. استدلال اساسی وی این بود که ویژگی زندگی شهری، انزوا و بی‌سازمانی اجتماعی است. بدین علت که همه شهرها، بزرگ، متراکم و ناهمگونند. وی این مطلب را چنین بیان می‌کند: ارقام انبوه بیانگر ویژگی‌های مربوط به تنوع و تغییرپذیری فرد، فقدان نسبی آشنایی نزدیک شخصی و قطعه قطعه کردن روابط انسانی است که بسیار ناشناخته، سطحی و گذراست. تراکم متضمن تنوع و تخصص، هماهنگی برخورد فیزیکی نزدیک و روابط اجتماعی دور، تضادهای درخشان و آشکار، الگویی پیچیده از تفکیک، سلطه نظارت اجتماعی رسمی، و برخورد شدید در میان پدیده‌های دیگر است. ناهمگونی در بدنه محکم و نفوذناپذیر ساخت‌های اجتماعی شکاف ایجاد می‌کند و باعث تحرک، بی‌ثباتی، ناامنی و وابستگی افراد به گروه‌های اجتماعی درهم و فرعی با تغییرات زیاد و پی در پی اعضا می‌شود. شبکه ارتباط مادی روند جابجایی روابط شخصی را تعقیب می‌کند و نهادها و موسسات پاسخگویی به نیازهای توده‌ها را بر فرد ترجیح می‌دهند؛ بنابراین فرد فقط با فعالیت از طریق گروه‌ها سازمان یافته، موثر و کارآمد می‌گردد (ورت، ۱۹۳۸: ۱۰).

نویسندگان کتاب "ساخت اجتماعی واقعیت" در بحثی با عنوان "تعامل اجتماعی در زندگی روزمره" معتقدند که دیگران در واقعیت زندگانی روزمره شرکت دارند. مهم‌ترین تجربه از حضور دیگران در موقعیت

1. Tonnies
2. community
3. society

چهره به چهره دست می‌دهد که صورت نمونه‌وار یا اصلی تعامل اجتماعی است. تمام صورت‌های دیگر مشتقات آن به شمار می‌روند (برگر و لوکمان، ۱۹۷۶: ۵۳-۴۶).

"ون دن برگ" با اشاره به گونه‌شناسی‌های اندیشمندی چون؛ "ورث"، "کوکس"، "سیمپسون" و "بینگر"، "واگلی"، "لیبرسون" و "مرتون و فریزر" گونه‌شناسی خود را از روابط قومی معرفی کرده است. وی معتقد است که گونه‌های مطرح شده از سوی ایشان اغلب با محدودیت‌هایی مواجه بوده‌اند. برخی از آن‌ها بر یک ملاک مثل آرزوهای گروه‌های پیرو یا سیاست‌های گروه مسلط مبتنی بودند. وی برای تحلیل مطلوب روابط قومی یک نمونه آرمانی دوتایی با عناوین؛ "پدرمآبی" و "رقابتی" ارائه می‌کند (برگر: ۲۷-۲۵).

"قنبران" و "رضوی" در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل موثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان یک محله (مورد مطالعه محله درکه تهران) در سال ۱۳۹۳، به نقش عواملی چند از جمله جلوه‌های فضاهای شهری پرداخته‌اند. این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و بر اساس نمونه‌ای ۱۲۰ نفری و با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی ساده و در دسترس از میان افراد سنین ۱۸ تا ۵۵ ساله حاضر در منطقه درکه تهران انجام شده است.

ابزار جمع‌آوری داده‌های این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. براساس یافته‌های این تحقیق ساختار اجتماعی - سیاسی شهر، ساختار کالبدی - فضایی و حالات روحی - روانی استفاده‌کنندگان از این فضا در ارتقاء تعاملات اجتماعی افراد تأثیرگذارند. براساس مدل تجربی تحقیق و تحلیل مسیر انجام شده، تأثیر مستقیم ساختار اجتماعی سیاسی ۰/۲۹۵ و تأثیرات غیرمستقیم آن ۰/۲۹ می‌باشد. تأثیر مستقیم ساختار کالبدی - فضایی ۰/۳۴ تأثیر غیرمستقیم آن ۰/۰۸ می‌باشد. عوامل روانی اجتماعی به طور مستقیم ۰/۳۲۸ و به طور غیرمستقیم ۰/۱۲ تأثیر گذاشته است.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، مولفه‌های حس مکان، احساس تعلق مکانی و هویت مکان، سه مولفه تأثیرگذار بر تعامل اجتماعی استفاده‌کنندگان از آن می‌باشد. سکونتگاه‌های شهری و فضاهای عمومی آن مانند: میدان، بازار، پارک‌ها، و پیاده‌روها، عرصه تعاملات اجتماعی بوده‌اند که مشکل از فعل و انفعالات اجتماعی تعداد زیادی از مردم هستند که این تعاملات را رقم می‌زنند. بر اساس نتایج این تحقیق، افراد بر اساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل داده و بر اساس توقعات، هنجارها و نقش خود به آن می‌پردازند. بنابراین نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین، عاملی قوی در تصمیم‌گیری فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افراد در جستجوی مکان‌هایی که در آن افرادی با خصوصیات مشابه آن‌ها به لحاظ طبقه، قومیت، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و قومیت مشابه حضور دارند باشند. با آن که همگن بودن افراد مشوق ملاقات و افزایش تعاملات در مکان‌های فیزیکی و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دلبستگی به آن

مکان است، در عین حال متفاوت بودن مکان‌های اجتماعی نیز فرصتی است تا افراد با هم بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند (قنبران و رضوی، ۱۳۹۳: ۸۳).

"آوتیکیان"^۱ در تحقیقی با عنوان قومیت در ایران معاصر (مطالعه موردی آذربایجان جنوبی) زیر نظر پروفسور "آنتون پلینکا"^۲ در دانشگاه بوداپست مجارستان در سال ۲۰۰۹ به بررسی مسایل قومیتی در ایران پرداخته است. وی با تکیه بر برخی ناآرامی‌های ایجاد شده در ایران بعد از انقلاب، تنش‌های قومی را در کنار مشکلات هسته‌ای از مسایل مهمی می‌داند که جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه می‌باشد. این مطالعه از نوع مطالعات تاریخی بوده و بر اساس اسناد مکتوب تاریخی در ایران و جمهوری آذربایجان به تحلیل وقایع مربوط به قومیت پرداخته است. برای نمونه یکی از مصادیق وی برای وجود اختلافات قومیتی، کاریکاتور رسم شده در روزنامه ایران در سال ۲۰۰۷ و ناآرامی‌های اعتراضی مردم در استان‌های آذری زبان بوده است. نویسنده معتقد است که این اقدام روزنامه دولتی وقت ناشی از نگاه تحقیرآمیز دولت مردان ایران که خود را نماینده اکثریت فارس زبان کشور می‌دانند، است. وی در تبیین این پدیده با بیان اشتراکات اقوام ایرانی به خصوص از حیث مذهب و سابقه تاریخی طولانی معتقد است که بی‌توجهی به عنصر زبان محلی (مادری) علی‌رغم تسلط آذری‌ها به زبان فارسی، همواره مناقشاتی را رقم زده است. در قسمت دوم این مقاله ایشان روابط گروه‌های قومی در استان آذربایجان غربی را تحلیل کرده و ضمن اشاره به برخی مناقشات ایجاد شده در سال‌های بعد از انقلاب در این استان، علت وقوع همه آن‌ها را در تفاوت‌های مذهبی و زبانی میان کردها و آذری‌ها (به عنوان گروه قومی مسلط) می‌داند. از نظر وی دو عامل مهم در کاهش تنش‌های قومی آذری‌ها با سایر اقوام ایرانی، پراکندگی آذری‌های ایران (ترک‌ها) در اکثر نقاط این کشور و همچنین ازدواج‌های بین گروه‌های قومی مختلف است که مشترکات فرهنگی زیادی را میان اقوام ایرانی را رقم زده است.

"خورشیدی" در مقاله‌ای با عنوان "جدایی‌طلبی قومی در ایران: اتهام یا واقعیت" در سال ۲۰۱۰ به بررسی رابطه گروه‌های قومی با دولت مرکزی در ایران پرداخته است. وی معتقد است که در طول یک قرن گذشته همه حکومت‌های ایران، گروه‌های قومی را به جدایی‌طلبی متهم کرده‌اند. چیزی که گروه‌های قومی همواره آن را انکار می‌کنند. وی تحقیق خود را بر اساس مصاحبه‌های عمیق انجام شده از نخبگان گروه‌های قومی تحلیل کرده است. او تاکید کرده است که گروه‌های قومی تمایلات جدایی‌طلبانه نداشته‌اند. بلکه آن‌ها در جستجوی حقوق خود، و اثربخشی‌شان در گستره ایران هستند. بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های این تحقیق هیچ یک از جنبش‌های قومی ایران، حتی دو جمهوری مستقل که در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۴۶ تشکیل شدند، اهداف جدایی‌طلبانه نداشته‌اند.

¹. Avtikian

². Antowan plinka

"درویشی" و "امامی" (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان: "قومیت و همبستگی ملی در ایران بعد از انقلاب" به برخی ابعاد مرتبط با این موضوع پرداخته‌اند. هدف این تحقیق شناسایی موقعیت فعلی اقلیت‌های قومی در ایران، علل وقوع تنش‌های قومی و ارائه راهکارهای عملی در جهت ایجاد وفاق بین اقوام مختلف و تقویت همبستگی ملی است. بر اساس یافته‌های این تحقیق تعامل گروه‌های قومی از نوع همگرایی بوده است.

فرضیه اصلی تحقیق آن‌ها عبارت است از: "اصلاح مناسبات دولت مرکزی با مناطق قومی از طریق ایجاد و توسعه روابط و تعاملات مثبت بین اقوام مختلف ایرانی می‌تواند به همسو کردن منافع اقوام و منافع ملی و در نتیجه تقویت همبستگی ملی کمک کند". از دیدگاه ایشان تضادهای قومی از چالش‌های مهم دولت‌ها، بعد از انقلاب اسلامی بوده است. ایشان بر اهمیت عناصری مثل: زبان و ادبیات، دین، عوامل جغرافیایی و سرزمین مشترک، فرهنگ و تاریخ مشترک، مشارکت سیاسی برابر اقوام مختلف در اداره کشور، در ایجاد وفاق و همگرایی اقوام ایرانی با دولت مرکزی تاکید نموده‌اند.

در این تحقیق، با تمرکز بر گروه‌های قومی آذری، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن به این نکته توجه نموده‌اند که با پیدایش ملت‌ها بشریت از هویت‌های قومی، قبیله‌ای و ایلی عبور کرده و وفاداری خویش را به دولت-ملت‌ها ارتقا می‌دهند. در این تحقیق که با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است، نویسندگان بر عواملی هم‌چون: عوامل ذهنی که اقوام آن‌ها را جزء تعلقات خود می‌دانند (نژاد، دین، زبان، آداب و رسوم مشترک) کارگزاران نهضت‌های قومی (نخبگان سیاسی، اجتماعی و رهبران فکری) موقعیت جغرافیایی اقوام (مرزنشینی، توپوگرافی محل زندگی اقوام) عوامل عینی (پایین بودن سطح زندگی اقوام، شاخص توسعه انسانی پایین، امید زندگی کم) و عوامل بین‌المللی (مرزهای ساختگی بین قومیت‌ها توسط برخی از کشورها مثل آذربایجان‌گرایی، کردستان بزرگ، ارمنستان بزرگ) در شکل‌دهی به تعاملات اقوام تاکید نموده‌اند. در یافته‌های پایانی این تحقیق نویسندگان بر نقش عناصر و مولفه‌های مشترک ملی، تاریخی و هویتی مثل تاریخ، خط و زبان مشترک، اسطوره‌ها و قهرمانان و شخصیت‌های ملی مشترک، اسلام به عنوان دین مشترک، در ایجاد تعاملات سازنده اشاره نموده‌اند (درویشی و امامی، ۱۳۹۳: ۸۹).

در تحقیقی دیگر توزیع جغرافیایی آذری‌ها از کانون اصلی (آذربایجان) به سوی بخش‌های مرکزی و قلمرو فارس‌نشین و حضور چشمگیر آنان در تهران و دیگر شهرهای پرجمعیت مرکزی ایران، منجر به ازدواج‌ها و روابط سببی بی‌شمار آنان با سایر اقوام ایرانی شده است و این خود از مهم‌ترین عوامل ادغام آن‌ها با دیگر اقوام می‌باشد (ایزدی، ۱۳۹۳: ۴۱۶).

بررسی روابط اجتماعی- فرهنگی گروه‌های قومی در استان آذربایجان غربی پس از انقلاب اسلامی، عنوان تحقیق پایان‌نامه کارشناسی ارشد "نریمان عباسی" است که در سال ۱۳۸۵ با راهنمایی سیف‌اللهی در واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد تهران انجام شده است. این تحقیق از نوع پیمایش بوده و با استفاده از روش‌های اسنادی و میدانی بر روی ۳۸۴ نفر از ساکنان استان انجام شده است. یافته‌های تحقیق

نشان می‌دهد که سطح تحصیلات، داشتن رابطه با اقوام دیگر، و داشتن پست و مقام دولتی، متغیرهایی بوده‌اند که بیشترین تاثیر را در روابط اجتماعی- فرهنگی میان اقوام ساکن در این استان داشته‌اند. بر اساس یافته‌های این تحقیق روابط خصمانه (سیاسی) جای خود را به روابط رقابت‌آمیز به خصوص در عرصه اقتصادی داده است (عباسی، ۱۳۸۵: ۹۷).

"نوری مریان"^۱ در تحقیقی با عنوان "نقش حقوق شهروندی در واگرایی و همگرایی در میان گروه-های قومی تالش طی سال ۸۷-۱۳۷۶ رعایت حقوق شهروندان مختلف ساکن در شهر تالش را از اساسی‌ترین راه‌های تداوم وحدت ملی در جامعه مورد مطالعه‌اش قلمداد کرده است. وجود اقوام و گویش-های مختلف محلی مستقر در تالش از جمله گیلگ، کرد، ترک و تالش با مذهب شیعه و سنی که برخورداری آن‌ها از برخی حقوق شهروندی صرف نظر از گویش و مذهب، و نوع تعامل در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و معاشرتی با یکدیگر در جهت توسعه و پیشرفت تالش و همچنین بهره‌مندی از فرصت‌ها، منصب‌ها، اشتغال و استخدام مساوی در بین گروه‌ها با توجه به شایسته‌سالاری موجب همگرایی و محرومیت از این حقوق شهروندی مثل: تبعیض در استخدام، عدم دسترسی برابر به فرصت‌ها و امتیازات بدون توجه به شایستگی‌ها، تخصص، تجربه، استعداد و عدم مشارکت صحیح همه گروه‌ها در مدیریت‌ها و نقش‌ها، و نوع نگرش به تالش با توجه به موقعیت آن در استان، و بالاخره عدم به کارگیری اهل سنت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های منطقه می‌تواند از عوامل واگرایی محسوب شوند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که با افزایش همکاری‌های بین قومی و توزیع مناسب و برابر فرصت‌ها، امتیازات و امکانات در بین اقوام که از ترکیب سه نوع رابطه فکری، عاطفی و معیشتی اقوام حاصل می‌شود تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی و همگرایی افزایش می‌یابد و در مقابل با افزایش تعارضات و خصومت‌های قومی و عدم دسترسی برابر به فرصت‌ها و امتیازات تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی، تضعیف و به این ترتیب واگرایی شدت می‌یابد (فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج، ۴۵).

مسعودی (۱۳۸۷)، در تحقیقی با عنوان جایگاه تعامل اجتماعی ... به مطالعه، نقش حوزه عمومی در تعامل اجتماعی میان گروه‌های مختلف پرداخته است. وی حوزه عمومی را فضایی می‌داند که در آن فرد به بیان خویش در ارتباط با دیگری می‌پردازد. او ویژگی این حوزه را جمع شدن اشخاص گردهم و بحث در مورد علایق عمومی دانسته است. در این فضا افراد مشتاقانه گردهم جمع شده و به مشارکت اجتماعی می‌پردازند. تامین نیاز انسان به دوست داشتن و در کنار هم بودن، مستلزم وجود یک فضای فیزیکی است. فضاهای عمومی شهری امروزه این امکان را فراهم می‌سازند که انسان‌ها بتوانند با هم تماس مستقیم داشته و فعالیت‌های اجتماعی مختلف گروهی مانند: قدم زدن، بازی، تفریح و در کنار آن ورزش و فعالیت-های جسمانی را انجام دهند که امکان همکاری و رقابت و ... را فراهم می‌سازند تا تعامل میان افراد

¹ Nouri merian

شکل بگیرد. فراهم شدن امکان مشاهده و نظارت دیگران و اتفاقات و رویدادهای پیرامون یکی از عوامل تعیین کننده در مکان‌های اجتماعی است که موجبات شکل‌گیری و تداوم تعامل اجتماعی را رقم می‌زند. (مسعودی و کیومرث، ۱۳۸۷: ۴۵).

"عاملی" و "مولایی" در تحقیقی با عنوان "دو جهانی شدن‌ها و حساسیت‌های بین فرهنگی" (مطالعه موردی در روابط بین شیعه و سنی در استان گلستان) بر اساس مدل تجربی "میلتون بنت" تایید کردند که توسعه ارتباطات عامل مهمی در کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی دارد.

این تحقیق که بر اساس یک مطالعه موردی در بین ساکنان استان گلستان به روش پیمایشی و با نمونه‌ای حدود ۴۰۰ نفر و با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی سهمیه‌ای و با اتکا به دسترسی آسان انجام شده است یافته‌هایش را در سه بخش ارائه می‌کنند: در بخش اول میزان کلی حساسیت بین فرهنگی افراد در گروه نسبت به هم سنجیده می‌شود و مشخص می‌شود که میزان حساسیت افراد نسبت به هم کم، متوسط یا زیاد است. قسمت دوم یافته‌های تحقیق میزان استفاده افراد نمونه از رسانه‌های جمعی مختلف را نشان می‌دهد و پس از آن معناداری یا عدم معناداری آن را با میزان حساسیت بین فرهنگی نشان می‌دهد. در بخش نهایی یافته‌های تحقیق به تبیین رابطه محل سکونت افراد و میزان حساسیت بین فرهنگی آن‌ها می‌پردازد.

بر اساس آزمون‌های انجام شده در این تحقیق نمره کل شدت حساسیت برای گروه ترکمن اهل سنت و گروه غیرترکمن اهل تشیع از حد متوسط کمتر است. میزان استفاده روزانه اهل تسنن از رسانه‌ها با میزان حساسیت بین فرهنگی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. به این ترتیب که هرچه میزان استفاده افراد از رسانه‌ها افزایش پیدا کند، میزان حساسیت‌های بین فرهنگی آنان نسبت به اهل تشیع کاهش می‌یابد. بین میزان حساسیت‌های بین فرهنگی افراد دو گروه با توجه به محل سکونت آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. بیشترین حساسیت بین فرهنگی دو گروه نسبت به یکدیگر در شهر آق قلا و سپس در گرگان وجود دارد که میزان تعامل افراد دو گروه در کمترین حد ممکن است. کمترین حد حساسیت نیز در گنبد کاووس مشاهده شده که البته بیشترین میزان توسعه ارتباطات افراد در این شهر وجود دارد. بنابراین ملاحظه می‌شود که ارتباطات افراد در محیط واقعی منجر به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی آنان می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توسعه ارتباطات مجازی (ارتباط افراد از طریق رسانه‌ها) و ارتباطات فیزیکی (ارتباطات افراد در محل سکونت) منجر به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی می‌شود. از این منظر می‌توان یکی از منابع و عوامل اصلی توسعه حساسیت‌های بین دینی و بین قومی را ناشی از عدم تعامل دانست که برای کاهش آن، توسعه زمینه ارتباطات اجتماعی در میان اقوام و پیروان مذاهب توصیه می‌گردد (عاملی و مولایی، ۱۳۸۸: ۵۷).

درک نسبت به دیگری بدون داشتن ارتباطات و اطلاعات، فضای "گمانه" و "عوامل واسطه ارتباطی" را تقویت می‌کند و موجب می‌شود فرد بدون داشتن فهم و اطلاعات دقیق نسبت به دیگری

قضاوت و گاه عمل یا واکنش تندی نشان دهد. درک از راه دور بدون درگیر شدن در مسیر زندگی دیگران، فضای خالهای ارتباطی و ارتباطات ناقص را فراهم می‌آورد و نخستین نتیجه آن عدم انطباق پیام ارسال شده با پیام دریافت شده است. و در این جا حساسیت‌های بین فرهنگی در دو فضای "مطلق-گرایی قومی و فرهنگی" و "نسبی‌گرایی قومی و فرهنگی" شکل می‌گیرد. تفاهم بین فرهنگی و حساسیت میان فرهنگی دو رویه یک سکه هستند. در واقع هرچه حساسیت افراد نسبت به یکدیگر کاهش پیدا کند، تعامل و تفاهم میان آن‌ها افزایش می‌یابد و تمایل به پذیرش دیگری در آن‌ها بالا می‌رود. این مسئله می‌تواند تحت تاثیر عوامل مختلفی باشد که طبق نظریه اصلی این پژوهش، توسعه ارتباطات مهم‌ترین عامل موثر بر آن است (همان: ۶۷).

علی یوسفی در تحقیقی با عنوان: "روابط قومی و تاثیر آن بر هویت اقوام در ایران" بر اساس تحلیل ثانوی از داده‌های پیمایش ملی سه نوع رابطه: فکری، عاطفی و معیشتی را مطالعه کرده است. وی در این تحقیق روابط بین گروه‌های قومی را به چهار دسته تقسیم نموده است:

- روابط اقتصادی یا معیشتی بین قومی مثل معاملات اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی مشترک.
- روابط سیاسی یا اقتداری بین قومی مثل اختلافات، کدورت‌ها و نزاع‌های بین قومی.
- روابط فرهنگی یا فکری بین قومی مثل تبادل نظر فکری و آموزش بین اقوام.
- روابط اجتماعی یا عاطفی مثل دوستی، معاشرت و خویشاوندی در بین اعضا.

این روابط با توجه به شاخص‌هایی چون: تراکم روابط بین قومی، قرینگی روابط بین قومی و پرستیژ قومی در جامعه مورد مطالعه که ۳۵۹۷ نفر از پاسخگویان بالای ۱۸ سال از اقوام پنج‌گانه عمده ساکن ایران (آذری، فارس، کرد، لر و بلوچ) شرکت کننده در پیمایش ملی صورت گرفته است. بر اساس تحلیل ثانوی صورت گرفته بر داده‌های این پژوهش اعیادملی-مذهبی بیشترین (۷۱/۱ درصد) و سیاست‌های دولت کمترین (۰/۴۹) تاثیر را بر تعامل میان گروه‌های قومی ایرانی داشته‌اند. در عوامل ایجاد کننده گرایش به تعامل میان گروه‌های قومی، تعلق به سرزمین یعنی عامل جغرافیایی بیشترین تاثیر (۹۸/۵) و سیاست‌های دولت‌ها کمترین تاثیر (۰/۲۸) را داشته‌اند (یوسفی، ۱۳۸۸: ۲۵).

چارچوب نظری تحقیق

این تحقیق بر اساس نظریه "رابرت مرتن" انجام می‌شود. هیلی این نظریه را در مطالعه روابط میان اقوام به کار برده است. در این جا این نظریه ارائه می‌گردد. مرتون (Merton) در مطالعه روابط میان گروه‌های قومی در امریکا بر دو مفهوم: "تعصب و تبعیض" متمرکز شده و بر اساس این دو مفهوم یک چارچوب مفهومی جهت تحلیل روابط و مناسبات میان گروه‌های قومی ارائه کرده است. چارچوب مفهومی مرتن به صورت یک نوع گونه‌شناسی چنین است:

جدول شماره (۱): چارچوب مفهومی مرتن

نوع رفتار	غیرمتعصب	متعصب
غیر تبعیض‌آمیز	کاملاً آزادی‌خواه	نسبتاً غیرآزادی‌خواه
تبعیض‌آمیز	نسبتاً آزادی‌خواه	کاملاً غیرآزادی‌خواه

بر اساس این چارچوب مفهومی مرتون چهار نوع از روابط را تشخیص می‌دهد. نوع اول به کسانی اشاره می‌کند که در همه حال غیرمتعصب و غیرتبعیض‌گونه رفتار می‌کنند. این مقوله افرادی را توصیف می‌کند که به استقبال ارزش‌ها و آرمان‌ها و عقاید آمریکایی می‌روند و هیچ نوع گرایش تعصبی به گروه‌های اقلیت ندارند. در قطب دیگر این پیوستار افرادی قرار دارند که متعصب و تبعیض‌آمیزانه (کاملاً غیرلیبرال) رفتار می‌کنند. چنین افرادی عقاید و ایده‌آل‌های سایر گروه‌ها را رد می‌کنند و فقط بر امتیازات انحصاری به نفع سفیدها تاکید می‌کنند. دسته سوم کسانی هستند که متعصب‌اند ولی تبعیض قائل نمی‌شوند، در واقع به طور مستقل از هم عمل می‌کنند. این افرا اعتقادات آمریکایی‌ها را باور دارند ولی به دلایل متعددی تبعیض‌آمیز رفتار نمی‌کنند. دسته آخر غیرمتعصب تبعیض‌گذار هستند. آن‌ها معمولاً در عمل تبعیض قائل می‌شوند ولی تعصبی ندارند(مرتن؛ به نقل از کیویستو، ۲۰۱۲: ۳۰).

"کینلاچ" در پژوهشی پیرامون پویایی روابط قومی و نژادی سعی در تبیین ایدئولوژیکی کنش اجتماعی با جهت‌گیری کنشگران اجتماعی در این عرصه را دارد. وی اذعان می‌دارد که مطالعات انجام شده در این حوزه در گذشته توصیفی بوده‌اند ولی وی با استفاده از یک رویکرد تحلیلی و بر مبنای چهارچوب نظری به این مهم پرداخته است. از نظر ایشان مطالعه "روابط نژادی و قومی" حداقل در سه سطح باید صورت گیرد: سطح روان‌شناختی، سطح روان‌شناسی اجتماعی و سطح جامعه‌شناختی. و خود نیز کارش را در هر سه سطح انجام داده است. وی با تاکید بر این که رفتار اجتماعی را می‌توان در دو سطح خرد و کلان سازمان‌دهی و تحلیل کرد، روابط قومی را در سه بعد: فردی، گروهی و اجتماعی با استفاده از نظریه سیستم‌ها مطالعه کرده است.

"هیلی"^۱ در اثری با عنوان "نژاد، قومیت، جنسیت و طبقه" به مطالعه جامعه‌شناختی تضاد و تغییر گروهی پرداخته است. وی روابط میان گروه‌های اجتماعی و به تبع آن گروه‌های قومی را با چهار مفهوم: تعصب، تبعیض، نژادگرایی ایدئولوژیکی و تبعیض نهادی یاد کرده و در جدول زیر ارائه کرده است:

جدول شماره (۲): چارچوب مفهومی هیلی

ابعاد	سطوح
فکری - احساسی	تعصب
عملی	تبعیض
	قوم‌گرایی ایدئولوژیک
	تبعیض نهادی

¹. Healey

آگ برن و نیمکف در کتاب زمینه جامعه‌شناسی تعامل اجتماعی را به دو دسته تقسیم نموده‌اند: کنش‌های متقابل (تعامل) پیوسته و گسسته. تعامل اجتماعی پیوسته شامل افعالی می‌گردد که جهت یگانه‌ای را در گروه تعقیب می‌کنند مثل دوستی، همفکری، همکاری، تعاون، همیاری، یکدلی و انواع سازگاری‌هایی که موجبات ارتباط و نزدیکی بیشتر افراد گروه را فراهم می‌آورند. اما کنش‌های متقابل اجتماعی گسسته شامل افعالی می‌گردد که جهت متفاوتی را در گروه باعث گردیده و موجبات دوری و تفرق اعضای گروه را فراهم می‌آورند. رقابت، سبقت‌جویی، ستیزه و کنش‌هایی از این قبیل را می‌توان در ردیف کنش‌های متقابل اجتماعی گسسته محسوب نمود. درحقیقت نتایج حاصل از این دو دسته از تعامل‌ها که خود مبتنی بر روابط متقابل اجتماعی هستند پویایی گروهی را موجب می‌شوند (آگبرن، ۱۳۵۷: ۲۵۸).

فرضیه‌های تحقیق

۱. تعامل اجتماعی به گونه‌های متفاوتی در بین گروه‌های قومی رخ می‌دهد.
۲. گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی دارای تفاوت معنی‌دار است.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته:
 نوع تعامل اجتماعی
 متغیرهای مستقل:
 قومیت

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

قوم

به گروهی از مردم یا جماعتی از آنان اطلاق می‌گردد که در یک منطقه جغرافیایی زندگی می‌کنند و دارای وحدتی متکی بر خانواده، نوع معیشت و فرهنگ مادی و معنوی درون گروهی هستند (مارشال، ۱۳۸۱: ۱۰۶).

قومیت

افرادی را مشخص می‌کند که بنا به تعریف خودشان یا تلقی دیگران از آن‌ها خصوصیات مشترکی دارند که آن‌ها را از سایر جمع‌ها در یک جامعه متمایز می‌کند و آن‌ها در این جامعه رفتار فرهنگی متمایزی دارند (همان: ۳۶۰).

گروه قومی در ابتدا به گروه‌هایی از مردم که از نظر زیست‌شناختی با هم مربوط بودند اطلاق می‌شد. این اصطلاح امروزه کاربرد بیشتری پیدا کرده و به گروهی که سنت‌های فرهنگی و احساس هویت مشترک داشته باشند گفته می‌شود. گروه‌های قومی را ممکن است تاریخ و سنت، زبان، جغرافی، نژاد با تعریف جامعه‌شناختی آن مذهب و غیره پیوند دهد. معمولاً این اصطلاح در مورد اقلیت‌های قومی به کار می‌رود، اما برخی از روان‌شناسان جامعه‌گرا، گروه مسلط جامعه را گروه‌های قومی می‌نامند. هر چند گروه‌های قومی غالباً گروه‌های نژادی هم هستند این دو اصطلاح به عنوان معادل مورد استفاده قرار نمی‌گیرند (میلشویچ، ۱۳۸۶: ۵۳۴).

تعامل اجتماعی

مفهومی است کلی که باشیوه، میزان، شدت و به طور کلی انواع گوناگون کنش و واکنش بین انسان‌ها در یک گروه و جمع یا جامعه سر و کار دارد (هیلی، ۲۰۱۳: ۳۶۵). تعامل اجتماعی به سه شکل: مودت‌آمیز (همکاری، تعاون و هم‌افزایی) تعامل دوری و تعامل تفرقه‌آمیز (خصومت، تقابل، تعارض) آمده است. تعامل اکولوژیکی، تعامل انسان است در درون یک محیط جغرافیایی. فرایند تعارض، همکاری آمیخته با رقابت و یا حتی همکاری آمیخته با خصومت بین افراد یا گروه‌هایی است که در یک محیط جغرافیایی با هم حیات می‌گذرانند و در برابر فرصت‌ها و مواهب و مسایل مشخص قرار دارند (همان: ۲۸۰).

در این تحقیق برای سنجش تعامل اجتماعی روابط متقابلی را که میان گروه‌های قومی استان حاکم است را بر اساس گونه‌شناسی "رابرت مرتن" اندازه‌گیری می‌کنیم. طبق این گونه‌شناسی تعامل میان گروه‌های قومی دارای دو حالت "لیبرال" و "غیر لیبرال" می‌باشد که با توجه به وجود دو حالت رفتاری و نگرشی: تبعیض و تعصب سنجیده می‌شود. بر اساس این گونه‌شناسی افراد مورد مطالعه در یک طیف-بندی چهارگانه براساس داشتن و یا نداشتن تعصب و تبعیض قرار گرفته و نوع تعامل آن‌ها مشخص می‌گردد. برای اندازه‌گیری میزان تعصب پاسخگویان از پرسشنامه استاندارد "بروندکلی" و دیگران استفاده می‌شود. این پرسشنامه دارای ۱۶ گویه و دو گزینه درست و غلط است. طبق دستورالعمل طراحان پس از تکمیل پرسشنامه توسط پاسخگویان به هر یک از پاسخ‌های درست یک امتیاز تعلق می‌گیرد. سپس مجموع نمرات محاسبه می‌شود. عدد به دست آمده بیانگر میزان تعصب پاسخگو می‌باشد. دامنه نمرات از یک تا شانزده تغییر می‌یابد. در بخش تحلیل با توجه به توصیه طراحان افراد را بر اساس میزان تعصب به سه دسته: بالغ، عاقل و رها از تعصب (امتیاز ۵-۱) در حد متوسط (۱۱-۶) و رفتار تعصب‌آمیز (۱۶-۱۱) طبقه‌بندی نموده و با توجه به چارچوب نظری مورد استفاده در این تحقیق در این قسمت افراد را به دو دسته: دارای تعصب (۸-۱) و فاقد تعصب (۱۶-۹) طبقه‌بندی نموده‌ایم.

به منظور اندازه‌گیری میزان تبعیض از پرسشنامه ادراک تبعیض "بروندکلی" و دیگران استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۱۷ گویه با سه گزینه می‌باشد. بر اساس توصیه طراحان پس از تکمیل پرسشنامه به گزینه هرگز یک امتیاز، گاهی سه امتیاز و اغلب پنج امتیاز داده و مجموع امتیازات هر پاسخگو بیانگر میزان ادراک تبعیض توسط او می‌باشد. دامنه تغییرات از ۸۵-۱۷ است. افراد را بر اساس امتیاز کسب کرده به دو گروه درک کننده تبعیض (امتیاز ۵۰ و بیشتر) و عدم ادراک تبعیض (امتیاز کمتر از ۵۰) طبقه‌بندی نموده‌ایم.

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق ابتدا با استفاده از روش اسنادی به مرور ادبیات (پیشینه) تحقیق و نظریه‌های ارائه شده درباره گروه‌های قومی پرداختیم. این تحقیق از نوع پیمایشی (Survey) می‌باشد. از آن جا که در این تحقیق مطالعه و بررسی گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی مورد توجه هست استفاده از این روش می‌تواند به تحقق اهداف تحقیق بینجامد. برای نیل به اهداف تحقیق در این قسمت از مطالعه میدانی به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از پرسشنامه استفاده گردید. جامعه آماری این تحقیق گروه‌های قومی (ترک، کرد و سایر اقوام) ساکن در استان آذربایجان غربی می‌باشد. در این بخش از کار از روش نمونه‌گیری ناحیه‌ای استفاده شده است. و با توجه به تقسیمات کشوری، استان آذربایجان غربی به سه بخش شمال، مرکز و جنوب تقسیم می‌شود. در بخش شمالی استان اکثریت عددی ساکنان با ترک‌ها، در بخش جنوبی عموماً شهرهای کردنشین قرار دارند. در مرکز این استان شهرستان اورمیه قرار دارد که به لحاظ ترکیب جمعیتی کاملاً متنوع بوده و تمامی گروه‌های قومی ساکن در استان را می‌توان در آن مشاهده کرد. بر اساس این تفکیک جغرافیایی مناطق استان و خصوصیات جمعیتی آن نمونه‌ای به حجم ۴۸۰ نفر انتخاب گردید. با توجه به فرمول کوکران در برآورد حجم نمونه با توجه به جمعیت استان که حدود سه میلیون نفر می‌باشد به حجم نمونه‌ای بالاتر از مقدار برآورد شده مراجعه گردید تا شرط معرف بودن حاصل گردد.

$$n = \frac{P \cdot Q \cdot t^2 \cdot N}{N \cdot d^2 + P \cdot Q \cdot t^2}$$

$$384 = \frac{3080576 \times 0.25 \times 3/84}{3080576 \cdot 0.0025 + 0.25 \times 3/84}$$

برای جمع‌آوری داده‌ها در بخش اسنادی از تکنیک فیش‌برداری استفاده شده است.

به منظور سنجش میزان تعصب و تبعیض گروه‌های مورد مطالعه از سوالات پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شده است. در این قسمت از پرسشنامه ادراک تعصب و تبعیض قومی "بروندکلی"، "کومکی-گوردون" و "تامسون ولوی" (PEDQ-CV) استفاده شد. پایایی این پرسشنامه‌ها بر اساس محاسبات سازنده برای پرسشنامه تعصب ۰/۷۷ بوده است. مقدار پایایی برای ادراک تبعیض ۰/۷ تا ۰/۸۸ بر حسب

مولفه‌های مختلف آن می‌باشد. پس از تکمیل مقدماتی برای ارزیابی بر اساس یک نمونه انتخابی اولیه برای پیش‌آزمون، پایایی ۰/۸۷ برای ادراک تبعیض قومی و ۰/۷۳ برای تعصب به دست آمد. سوالات و نتایج محاسبات مرتبط با آن در تعاریف عملیاتی موجود است. به منظور شناسایی گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی از پرسشنامه محقق ساخته با ۳۵ سوال مرتبط با فرضیه‌های تحقیق استفاده می‌شود. با توجه به معرفها و متغیرهای موجود در مدل نظری تحقیق سوالات پرسشنامه آماده گردید. نتایج مربوط به محاسبات پایایی داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس آلفای کرونباخ از طریق نرم‌افزار spss 23 به قرار زیر بوده است:

جدول شماره (۳): محاسبه ضریب پایایی کل

تعداد	آلفای کرونباخ
۳۵	۰/۸۹۷

یافته‌ها و نتایج تحقیق

بر اساس داده‌های به دست آمده صد درصد پاسخگویان تجربه تعامل با افراد سایر گروه‌های قومی را داشته‌اند. این تعامل گاهی حاصل شرایط اجتماعی حاکم بر زندگی آن‌ها و گاهی نیز به انتخاب خود آن‌ها صورت گرفته است. گاه این تعامل مثبت و سازنده بوده و گاه منفی و بازدارنده بوده است. به طور کلی در حال حاضر (در شرایط کنونی) فرصت‌های بسیار زیادی برای ارتباط میان اعضای گروه‌های قومی فراهم شده است. بسیاری از موانع ارتباطی به لحاظ اجتماعی، فرهنگی از بین رفته و نگرش افراد به اعضای سایر گروه‌های قومی بهتر شده است. نگرش‌های منفی حاصل از عقاید قالبی و کلیشه‌ای تعدیل شده‌اند و پذیرش اجتماعی افراد سایر گروه‌ها و مذاهب نسبت به یکدیگر بیشتر شده است. "آلتمن"^۱ معتقد است که رفتار مربوط به قلمرو یکی از چند ساز و کار نظارت بر مرز میان خود و دیگری است و وسیله‌ای برای رسیدن به هدف خلوت مطلوب به شمار می‌رود. رفتار قلمروی از طریق نظارت بر تعامل اجتماعی رابطه افراد را تسهیل و از این رهگذر از تضاد و ارتباط نادرست اجتماعی جلوگیری می‌کند (آلتمن، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

جدول شماره (۴): توزیع متقاطع تعصب و تبعیض در میان پاسخگویان

تبعیض / تعصب	غیر متعصب	متعصب	جمع	درصد
غیر تبعیض‌آمیز	۱۲۸	۱۲۸	۲۵۶	٪ ۵۳/۷
تبعیض‌آمیز	۶۴	۱۶۰	۲۲۴	٪ ۴۶/۳
جمع	۱۹۲	۲۸۸	۴۸۰	۱۰۰

^۱. Irwin Altman

با توجه به اطلاعات جدول توزیع آماری پاسخگویان را به صورت متقاطع و بر اساس مقدار تعصب و تبعیض آن‌ها نشان می‌دهد. طبق این اطلاعات و با توجه به پاسخ‌های داده شده از سوی پاسخگویان ۲۶/۷ درصد از پاسخگویان غیرمتعصبانه و به گونه‌ای غیرتبعیض رفتار می‌کنند. این دسته معمولاً به استقبال ارزش‌ها و عقاید سایر گروه‌ها می‌روند و فاقد تعصب خشک و خالی می‌باشند، ۱۳/۳ درصد تعصب ندارند ولی تبعیض را احساس می‌کنند. این گروه نابرابری‌ها را درک می‌کنند و خودشان نیز تبعیض‌آمیز رفتار می‌کنند. هم‌چنین ۲۶/۷ درصد متعصب هستند و رفتارشان تبعیض‌گونه نیست و ۳۳/۳ درصد متعصب توأم با تبعیض هستند. این دسته عقاید و ایده‌آل‌های سایر گروه‌ها را رد می‌کنند و معمولاً دارای خصلت انحصارطلبی هستند.

جدول شماره (۵): توزیع گونه‌های تعامل اجتماعی در میان پاسخگویان

نوع تعامل	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
کاملاً غیر لیبرال	۱۴۴	۳۰	۳۰	۳۰
نسبتاً غیر لیبرال	۱۲۸	۲۶٫۷	۲۶٫۷	۵۶٫۷
نسبتاً لیبرال	۷۲	۱۵	۱۵	۷۱٫۷
کاملاً لیبرال	۱۳۶	۲۸٫۳	۲۸٫۳	۱۰۰
جمع	۴۸۰	۱۰۰	۱۰۰	

براساس اطلاعات جدول توزیع آماری گونه‌شناسی "مرتن- هیلی" به صورت زیر دیده می‌شود. حدود ۶۰ درصد پاسخگویان در انتهای طیف تعامل اجتماعی قرار دارند. ۳۰ درصد کاملاً غیر آزادمنشانه رفتار می‌کنند که از تعصب و تبعیض بالایی برخوردارند و حدود ۳۰ درصد کاملاً آزادمنشانه تعامل دارند، یعنی در تصمیم‌گیری‌های خود بدون تعصب و تبعیض عمل می‌کنند. اما در حدود ۴۰ درصد از وضعیت نسبی برخوردار هستند. فراوانی رفتارهای غیر آزادمنشانه بیشتر از آزادمنشان است (۲۶/۷ درصد در مقابل ۱۵ درصد). در مقایسه با تحقیق انجام شده توسط عباسی (۱۳۸۵)، تغییرات زیادی مشاهده می‌گردد. به این معنی که احساس تعصب و تبعیض در حال کاهش است.

جدول شماره (۶): توزیع متقاطع قومیت و گونه‌های تعامل اجتماعی

نوع تعامل	اقوام	کاملاً غیر لیبرال	نسبتاً غیر لیبرال	نسبتاً لیبرال	کاملاً لیبرال	جمع
ترک	۶۳	(۰/۲۵)	۶۳	(۰/۲۵)	۹۱	۲۵۴
کرد	۶۵	(۰/۴۳)	۵۰	(۰/۳۳)	۲۰	۱۵۰
سایر	۱۶	(۰/۲۱)	۱۵	(۰/۲۱)	۲۵	۷۶
جمع	۱۴۴		۱۲۸		۷۲	۴۸۰

یافته‌های جدول نشان می‌دهد که بیشترین نسبت رفتارهای متعصبانه و تبعیض‌گونه را کردها احساس می‌نمایند در حالی که رفتارهای لیبرال‌گونه در میان ترک‌ها بیشتر از سایر گروه‌های قومی مشاهده می‌گردد. بر اساس اطلاعات موجود نوع تعامل اجتماعی نه تنها در میان گروه‌های قومی بلکه در درون هر یک از گروه‌های مورد مطالعه نیز متفاوت است.

جدول شماره (۷): تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA)

مولفه	SS	d.f	m.s	F	sig
بین گروهی	۱۰/۷۷۵	۲	۵/۳۸۷	۴/۳۰۶	۰/۱۴
درون گروهی	۶۲۳/۰۲۸	۴۷۸	۱/۲۵۱		
کل	۶۳۳/۸۰۲	۴۸۰			

نتیجه این آزمون نشان می‌دهد که در سطح ۵ درصد خطا، نوع تعامل اجتماعی در میان گروه‌های قومی مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه در تحقیقاتی که در سایر مناطق ایران توسط محققانی چون: درویشی و امامی (۱۳۹۱)، نوری (۱۳۸۸)، رضوی (۱۳۸۷)، عاملی (۱۳۸۸)، تایید شده است.

جدول شماره (۸): آزمون تعقیبی (مقایسه زوجی تفاوت تعامل بین گروه‌های قومی)

اقوام	رابطه با	اختلاف میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری	حدود اطمینان ۹۵٪
ترک	کرد	۰/۰۷۹۲	۰/۱۱۱۳۶	۰/۷۵۷	پایین -۰/۱۸۲۶
		-۰/۳۴۴۵	۰/۱۴۰۴۲	۰/۳۹۹	بالا ۰/۳۴۱۰
کرد	ترک	-۰/۰۷۹۲	۰/۱۱۱۳۶	۰/۷۵۷	پایین -۰/۳۴۱۰
		-۰/۴۲۳۵	۰/۱۴۷۵۸	۰/۱۲۰	بالا -۰/۰۷۶۶
سایر	ترک	۰/۳۴۴۳	۰/۱۴۰۴۲	۰/۳۹۹	پایین ۰/۰۱۴۲
		۰/۴۲۳۵	۰/۱۴۷۵۸	۰/۷۶۶	بالا ۰/۰۷۶۶

نتایج آزمون نشان می‌دهد که تفاوت تعامل میان گروه‌های قومی در بین سایر گروه‌ها (ارامنه و آشوری‌ها با ترک‌ها و کردها بر می‌گردد. با توجه به این که این تفاوت بین ترک‌ها و کردها معنی‌دار نیست، می‌توان ادعا کرد که وجود تشابهات فرهنگی زیاد بین ترک‌ها و کردها موجب شده است که در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی با یکدیگر تعامل مثبت داشته باشند. در این میان همان گونه که "هیلی" (۲۰۱۳)، و "اوتیکیان" گفته‌اند، دو عامل زبانی و ازدواج بیشترین تاثیر را داشته‌اند. باتوجه به این که اکثر کردهای شمال و مرکز استان زبان ترکی را بلدند و باترک‌های محل زندگی خود به زبان ترکی حرف می‌زنند، برقراری ارتباطات اجتماعی‌شان به سهولت انجام می‌شود. عکس این قضیه صادق نیست. زیرا با توجه به در اکثریت بودن ساکنان این مناطق ترک‌ها نیازی به یادگیری زبان کردی احساس نمی‌-

کنند. از سوی دیگر گرایش به ازدواج و انتخاب همسر از میان کردها توسط ترک‌ها در چند دهه اخیر زیاد شده است. شکل‌گیری ازدواج‌های بین قومی عامل بسیار موثری در تغییر نگرش اقوام به همدیگر بوده و ارتباطات آن‌ها را شدت بخشیده و عامل تداوم آن گردیده است. در این میان در مقام مقایسه دلایل این تفاوت می‌توان به عامل مهم دیگری نیز اشاره نمود و آن این است که همه ترک‌ها و کردهای ساکن در منطقه مسلمان هستند. اعتقادات دینی مشترک زمینه‌ای برای ایجاد تعامل انسانی مثبت و کاهش تعصبات و پیش‌داوری‌ها می‌گردد. در حالی که سایر اقوام ساکن در منطقه مسلمان نیستند و این تفاوت درحوزه اعتقادات دینی مانع از شکل‌گیری تعامل میان این گروه‌ها می‌گردد. باوجود این، اختلافات مذهبی در میان مسلمانان از عوامل برهم زننده تعامل‌های انسانی در میان گروه‌های قومی می‌باشد.

پیشنهاد پژوهشی

با توجه به تنوع و پراکندگی گروه‌های قومی ایران در استان‌هایی مانند: گلستان، فارس، مرکزی، سمنان و ... انجام تحقیقاتی از این نوع می‌تواند به دانش تجربی در این زمینه بیافزاید و یافته‌های این تحقیق را محک زند.

پیشنهاد اجرایی

- اصلاح مناسبات دولت مرکزی با مناطق قومی از طریق ایجاد و توسعه روابط و تعاملات مثبت بین اقوام مختلف ایرانی، می‌تواند به تقویت همبستگی ملی و همسوس کردن منافع قومی با منافع ملی کمک کند.
- رفع نابرابری‌ها و تبعیض‌های موجود میان گروه‌های قومی (توزیع ناعادلانه منابع و فرصت‌ها)، توسعه انسانی را در کشور فراهم می‌سازد. تحقق توسعه انسانی عادلانه زمینه را برای شکل‌دهی به تعامل اجتماعی مثبت و سازنده (لیبرال) در جامعه فراهم می‌سازد.
- توجه به توسعه متوازن مناطق قومی در مقایسه با مناطق مرکزی کشور موجب شکل‌گیری تعامل اجتماعی مثبت و سازنده در میان گروه‌های مختلف از جمله گروه‌های قومی می‌گردد.
- تاکید بر سیاست‌های قومی تکثرگرا و پرهیز از سیاست‌های قومی همانندگرا، موجب شکل‌گیری تعامل اجتماعی مثبت و سازنده با دولت مرکزی و سایر گروه‌های مرتبط با این دولت نزد گروه‌های قومی می‌گردد.
- ایجاد زمینه و فرصت مشارکت اجتماعی برای اعضای گروه‌های قومی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، شرایط را برای همدلی و همگرایی در میان گروه‌های قومی در راستای منافع ملی فراهم می‌سازد.
- شناخت نیازها و توجه به مطالبات گروه‌های مختلف قومی در کشور و پاسخ‌دهی منطقی به این نیازها و مطالبات، تعامل اجتماعی گروه‌های قومی را با دولت مرکزی تقویت می‌نماید.

- فراهم نمودن روابط و مناسبات اجتماعی میان اعضای گروه‌های مختلف قومی، شرایط لازم برای ایجاد تعامل اجتماعی میان آن‌هاست. برای نمونه می‌توان از طریق گسترش فرصت‌های آموزشی برای همه آحاد جامعه، و توزیع عادلانه امکانات و منابع آموزشی، روح همگرایی و وحدت ملی را در کشور تقویت نمود.

- باتوجه به نقش مجاورت مکانی در ایجاد تعامل اجتماعی و آشنایی اقوام و گروه‌های قومی با فرهنگ مناطق دیگر، می‌توان از طریق توسعه گردشگری در ابعاد مختلف آن، زمینه را برای همگرایی-های قومی و تعاملات مثبت و سازنده آن فراهم نمود.

منابع

- آلتن، ایروین. (۱۳۸۲). **محیط و رفتار اجتماعی**. مترجم: علی، نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- برتون، رولان. (۱۳۸۰). **قوم‌شناسی معاصر**. مترجم: ناصر، فکوهی. تهران: نشر نی.
- بورديو، پیر. (۱۳۸۹). **نظریه کنش**. مترجم: مرتضی، مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۲). **دایره‌المعارف علوم اجتماعی**. تهران: کیهان.
- سیفاللهی، سیفالله. (۱۳۸۱). **جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران**. تهران: پژوهشکده جامعه‌پژوهی سینا.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۹۱). **پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی با استفاده از نرم افزار spss**. تهران: صبا.
- مارشال، گوردون. (۱۳۸۸). **فرهنگ جامعه‌شناسی**. مترجم: حمیرا، مشیری‌زاده. تهران: نشر میزان.
- مالشویچ، سینیشا. (۱۳۹۰). **جامعه‌شناسی قومیت**. مترجم: پرویز، دلیرپور. تهران: آمه.
- رویسی، فرهاد؛ و امامی، اعظم. (۱۳۸۹). **قومیت‌ها و همبستگی ملی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**. سال هفتم، شماره ۲۰، بهار.
- سیفاللهی، سیفالله؛ و حافظ امینی، حمیرا. (۱۳۸۸). **برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و تاثیر آن بر همگرایی و واگرایی گروه‌های قومی در ایران، پژوهشنامه علوم اجتماعی**. سال سوم، شماره دوم، تابستان.
- نوری مریان، علی. (۱۳۹۲). **نقش حقوق شهروندی در واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی تالش، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**. دانشگاه آزاد (واحد کرج)، شماره هفتم، تابستان.
- Banton, M. (1980). **Ethnic groups and the theory of rational choice**. paris, Unesco.
- Giddens, Antony. (1989). **Sociology**. London, Polity press.
- Healey, joseph., F. (2003). **Race, Ethnicity, Gender and Class**. Sage publication, U.K.
- Kinloch, Graham C. (1974). **The Dynamics of Race Relations**. Mac Grow- Hill, New yourk.
- Kivisto, Peter and pual R., croll. (2012). **Race and Ethnicity**. Routledge, USA.
- Malsevic, s. (2010). **The sociology of Ethnicity**. Frank case, London.